



مهرساز

گاهنامه بسیج دانشجویی
دانشگاه صنعتی شاهرود
شنبه ۴ خردادماه ۱۳۹۸ | قیمت : ۱۰۰۰ تومان

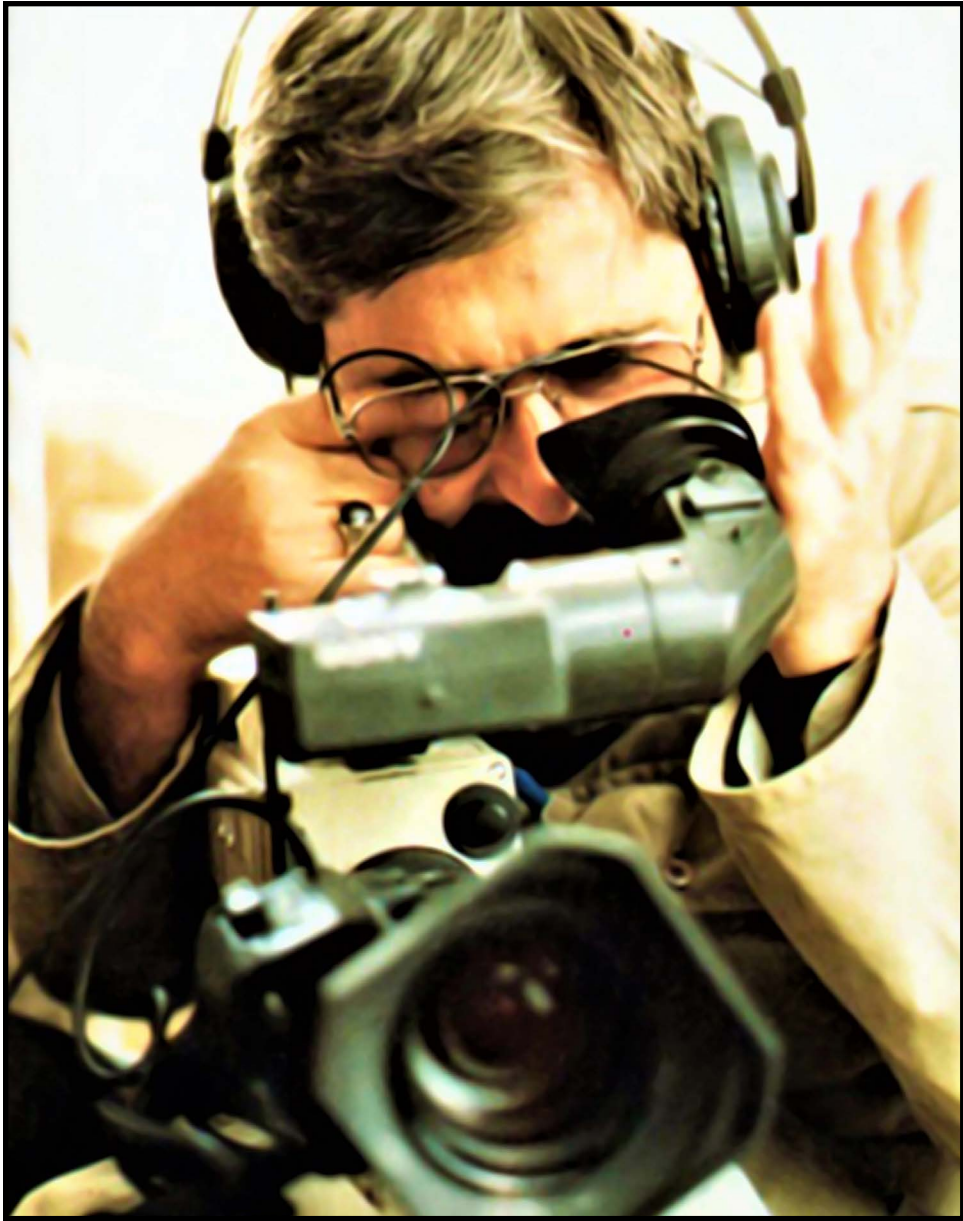
در این شماره دنبال کنید :

هنر متعهد : تحلیلی پیرامون چیستی هنر.

مذاکره ممنوع : خدا را در نظر بگیریم!

۲۵۳۷ + ۴۰ : صحبتی خودمانی راجع به بیانیه‌ای مهم.

ما قال، من قال؟ : نوشته‌ای پیرامون سلبریتی‌ها.



هنرمتعدد

ابوالفضل علی امید

مهندسی معدن-اکتشاف ۹۷

هنر چیست؟

پرسشی که همواره ذهن انسان را به خود مشغول کرده و اندیشمندان در طول تاریخ پاسخ های مختلفی به آن داده اند. در زبان فارسی هنر کلمه ای است مرکب از (هو) : به معنای حُسن، زیبایی،فضیلت و شرافت است و (نر) : پسوند نرینگی و ترکیب آن به معنای صاحب حسن، با فضیلت و شرافتمند است .

نظامی گنجوی در یکی از سروده هایش در مخزن الاسرار می گوید:

در همه چیزی هنر و عیب هست
عیب مبین تا هنر آری بدست
قدما و ادیبان، هنر را مفهومی در مقابل
عیب و به معنای کمال و فضیلت اعتبار
می کرده اند .

شهید سید مرتضی آوینی در تعریف هنر می نویسد:

“هنر، شیدایی حقیقت است، همراه با قدرت بیان آن شیدایی. ایشان می گوید: هنر یاد بهشت است و نوحه ی انسان در فراق. هنر زبان غربت بنی آدم است در فرقت از دارالقرار و از همین روی همه با آن انس دارند. چه در کلام جلوه کند، چه در لحن و چه در نقش. انسی دیرینه به قدمت جهان. هنر، زبان بی زبانی است و زبان هم زبانی.

به بیان دیگر می توان هنر را متشکل از دو عنصر محتوا و قالب دانست که در محتوا با معرفت و در قالب و شکل با زیبایی پیوند خورده است .

هنر ایرانی اسلامی در سایه ی معرفت به حقیقت و تعهد به آن تعریف می شود و تفاوت معنایی آن با هنر غربی که ریشه اش در تفکرات اومانیستی قرار دارد در همین است .

شهید آوینی در نقد هنر غربی و رد این اندیشه که هنر و هنرمند به چیزی متعهد نیست می نویسد:

“آنان که در کار هنر مدعی «عدم تعهد» شده اند درست در این داعیه خویش نیاندیشیده اند اگر نه، در می یافتند که گریز از تعهد در عالم محال است. هنرمند باید از «غرض اندیشی» آزاد باشد، اما در عین حال هنر عین تعهد اجتماعی است چرا که وجود انسان عین تعهد است و هنر نیز به مثابه جلوه انسان نمی تواند از تعهد فارغ باشد . ایشان در تبیین حقیقت و سرچشمه ی هنر جدید می نویسند:

هنر جدید خاص عالم جدید است. هنر جدید مولود تکنولوژی است. هنر جدید هنر خواص است . عوام درکش نمی کنند ... آنها که در دفاع از استقلال

هنر در اوایل قرن نوزدهم فریاد برداشتند که: هنر وسیله نیست هدف است، فایده هنر زیبایی است و همین کافی است و زیبایی را نیز چنین تعریف کردند که : هر چیز مفیدی زشت است و تنها اشیایی حقیقتاً زیبا هستند که به هیچ فایده ای نیایند، اولین گام ها را در جهت جدایی هنر از حیات انسان برداشتند و چنین شد که آثار هنری بدون هیچ فایده اجتماعی در تبعیدگاه هایی به نام موزه و گالری جمع آمدند و اینها در حالی است که هنر عین تعهد اجتماعی است. چرا که وجود انسان عین تعهد است و هنر نیز به مثابه جلوه انسان نمی تواند از تعهدات فارغ باشد.

بسم الله الرحمن الرحیم

گاهنامه ی فرهنگی،سیاسی،اجتماعی و اقتصادی مهاجر

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شاهرود

مدیر مسئول و سردبیر: رضا پرستار

همکاران این شماره: علی ملکی-فرشاد مومن زاده-علی شهرستانی-مجتبی صادقلو -ابوالفضل علی امید-امیرحسین خسرویان-فرید فرشچی-علی احمدی-محمد حسین جلالی-رضا نوروزی- مهدی حسینی-محمد رضا احمدی-شعبیرطالبی-فاطمه عامریان-کوثر کرابی-حدیث السادات ناظمیان

کانون نشریات بسیج دانشجویی ممیمانه نظر اتویادداشت های شمارا پذیرامی باشد

	 www.Basijstut.ir	
	 @Basijstut @Mosut	
	 0938-242-3010	

نشانی: شاهرود-میدان ۷تیر-دانشگاه صنعتی شاهرود-کانون نشریات قلم

مذاکره ممنوع!

علی شهرستانی

مهندسی پزشکی ۹۷

بسم الله الرحمن الرحيم

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ، وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ.

به آن ها میدان دادیم تا سردمدار فساد و بی دینی بشوند و مردم را به آتش دعوت بکنند. روز قیامت هم، هیچ کسی یاری شان نمی کند. (قصص، ۴۱)

مذاکره؛ کلمه ای که این روزها بر سر زبان ها افتاده و از رهبر نظام اسلامی گرفته، تا سردمداران رژیم آمریکا از آن سخن به میان می آورند. سوالی که برای ذهن دنبال کنندگان این خبر به وجود می آید این است که مذاکره به چه صورت است؟ وظیفه ما بعنوان یک ایرانی چیست؟ برای پاسخ به این قبیل سوالات لازم می دانم یکسری نکات را بازگو کنم.

در سال ۱۰۹۵ میلادی / ۴۸۸ قمری، به دستور پاپ، شاهان و نجبای اروپایی جهت تصرف سرزمین فلسطین - که جزو ممالک نظام متحد و یکپارچه اسلامی به شمار می آمد - به یکباره با هم اتحاد بزرگی را تشکیل دادند و آغازگر سلسله جنگ هایی شدند که ۱۹۶ سال طول کشید و امروزه آن را جنگ های صلیبی می نامند. بماند که در انتها هم شکست

خوردند و با نهایت حقارت، نقشه جنگ جهانی دوم را کشیدند تا با مظلوم نمایی خاک سرزمین مقدس را بدست آورند (ان شاء ... اگر عمری بود به تفصیل در این مورد خواهم پرداخت)؛ لکن سوالی که برای ذهن نخبه بوجود می آید این است که چطور ممکن است دشمن در آن گذشته دور، نتوانسته باشد طی ۱۹۶ سال به هدف خود برسد ولی در طی یک جنگ کمتر از ۷ ساله توانسته به این هدف برسد؟ جواب این سوال ساده است، کافی است به علل پیشین شکست دقت کنید تا جلوی تکرار آن را بگیرید: تغییر استراتژی از ظالم به مظلوم و نداشتن یک دشمن و یک مانع بزرگ در سر راهتان شما را به هدفتان می رساند.

اروپاییان و بخصوص رومی ها از اتحاد بسیار زیادی بین سران مملکت خود بهره می بردند و شاید تنها مزیت آن ها در برابر حکومت قدرتمند اسلامی همین موضوع بوده است، چراکه حس ناسیونالیسم یا وطن پرستی از نوع افراطی آن به نحوی که با عقیده کثیف صهیونیسم گره خورده باشد، تمام حاکمان را برای سلطه بر جهان به قصد اعمال نفوذ و قدرت بیشتر و کسب ثروت بسیار، وادار به عکس العمل می کند. در آن زمان (جنگ جهانی دوم) کشورمان ایران بازیچه دست های کثیف استعمار شده بود و بدیهی است که بدون وجود یک حکومت مرکزی قدرتمند که عالمانه جلوی دشمنان را بگیرد، عملاً هیچ

کاری از دست مردم بر نخواهد آمد که بخواهند جلوی دشمن بایستند و نقشه های شومش را خنثی کنند؛ اما آیا امروز هم وضع همین است؟ جواب ساده است: خیر.

پس چرا باید در این وضعیت به ناگاه حرف از مذاکره با دشمنی که از همیشه ضعیف تر است به میان آید؟ آن هم سر ریسک با امنیت مردم (برجام موشکی)؛ دلیل این موضوع ناتوانی کشور و حکومت نیست، کسانی که این حرف را می زنند به بی بسوادی خود اذعان میکنند، چراکه ایران اگر به طور قطع نگوییم ثروتمند ترین کشور جهان است می توان گفت از ثروتمند ترین کشور های جهان است (به دلیل ذخایر نفت و گاز و منابع جغرافیایی و معادن فراوان) لکن چه دلیلی بجز ترس و خیانت می تواند وجود داشته باشد؟

آیا وقت آن نشده که مردم دیگر بار متحد شوند و دست این مسئولین خائن، این #موریانه های نفوذ را از این کشور قطع کنند؟
امام علی (ع):

شگفتا؛ سوگند به خدا، اجتماع این قوم بر باطلشان و پراکندگی شما از حقتان، قلب را می میراند و اندوه را به درون آدمی می کشاند؛ زشتی و اندوه بر شما باد!

شگفتا؛ سوگند به خدا، اجتماع این قوم بر باطلشان و پراکندگی شما از حقتان، قلب را می میراند و اندوه را به درون آدمی می کشاند؛ زشتی و اندوه بر شما باد!



صد بار
اگر توبه
شکستی
باز ۱۰۰ بار...

باکوله باری از گناه رو به ضریحی طلایی دست بر سینه حاکی از غمی شگرف، نمیدانم باکدامین رو، اما با دلی سرشار از ندامت، از گناهای عظیم و متعدد آمده بودم تا باری دیگر عطوفت و رحمتش شامل حالم شود، بی اختیار اشکی از گونه ام می ریزد از تصور آنچه بر خود روا داشته بودم، از ظلمی که در حق خویش ادا نمودم و عزت نفس آدمیتم را برای لذتی کوتاه به دست باد سپرده بودم؛ این منم ... بنده ای ناخوش احوال که حال زارش از رخساره اش هویداست ناگهان لرزیدم برخورد که مبدا این بار همچون بارهای دیگر و بارهای دیگرش توبه شکنی کنم، اما ندایی درونم به سخن درآمد که این تویی، تویی که فرسنگ ها در ره ما به راه شده ای، تویی که کارنامه اعمالت را به سان ظلمت شب نزد ما آورده ای، تو خود نیز براین واقفی که پشیمانی و خداوند توبه گنه کاران را به شرط عدم

تکرارش می بخشد پس باز، باز که در این خانه به رویت بازاست

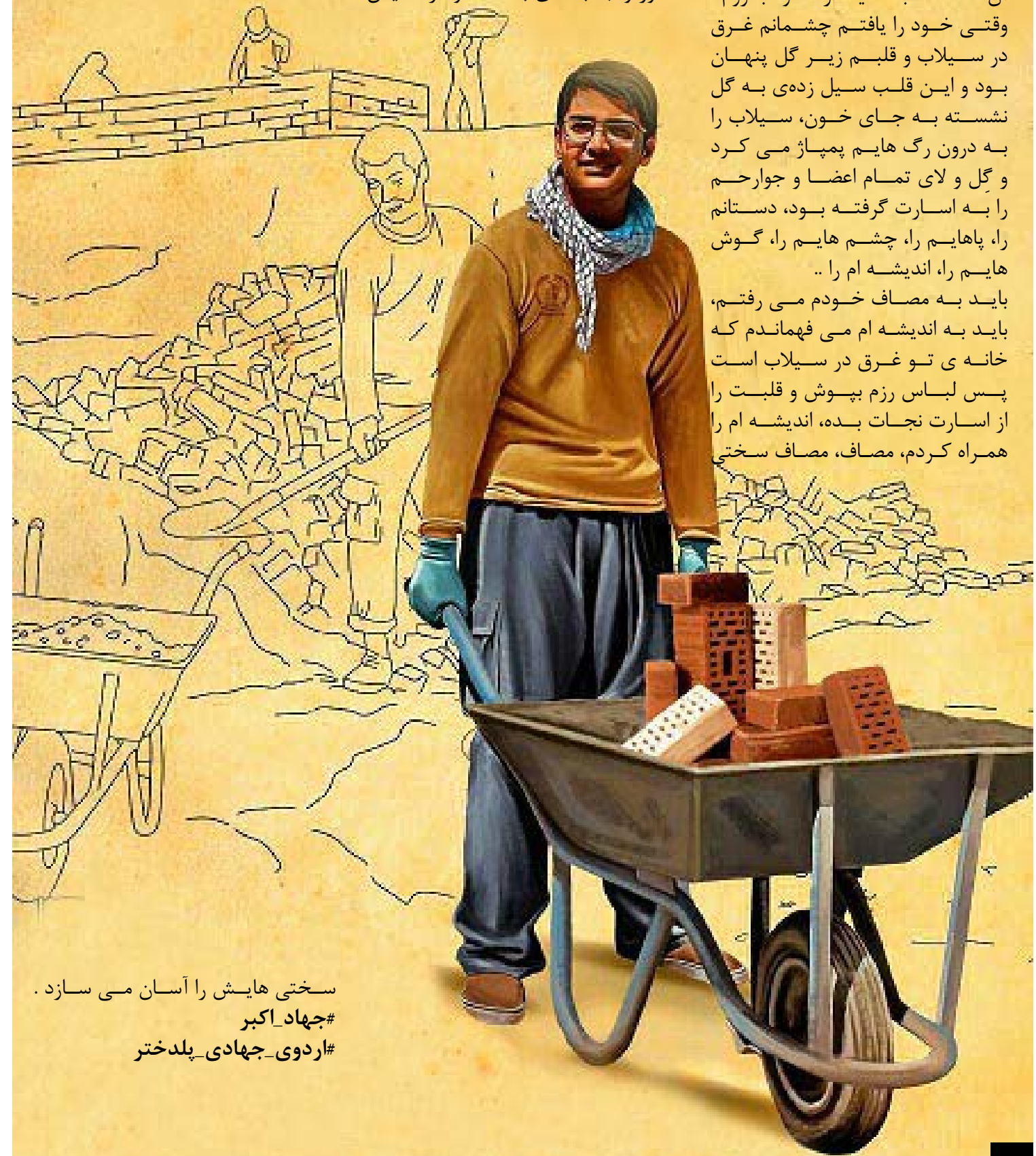
بازا ... باز ا...

صدبار اگر توبه شکستی باز ا...

بود، اما هر چه زمان می گذشت من راه و رسم مبارزه را بهتر می آموختم و قسمت های بیشتری از من به گل نشسته ام را فتح می کردم، وقتی قلبم آزاد شد و به خود پاکسازی شده ام رسیدم دیدم اصلاً اینجا (من) وجود ندارد و هر چه هست همه (اوست) و اوست علت و غایت این شور و جاذبه ی به خود رسیدن،

چندی پیش بعد از مدت ها فرصت آن شد تا به دیدار خود بروم، وقتی خود را یافتم چشمانم غرق در سیلاب و قلبم زیر گل پنهان بود و این قلب سیل زده ی به گل نشسته به جای خون، سیلاب را به درون رگ هایم پمپاژ می کرد و گل و لای تمام اعضا و جوارح را به اسارت گرفته بود، دستانم را، پاهایم را، چشم هایم را، گوش هایم را، اندیشه ام را .. باید به مصاف خودم می رفتم، باید به اندیشه ام می فهماندم که خانه ی تو غرق در سیلاب است پس لباس رزم پوش و قلبت را از اسارت نجات بده، اندیشه ام را همراه کردم، مصاف، مصاف سختی

سرمست در شوق رسیدن به او بودم که ناگهان صدایی رسا تمام وجودم را به تسخیر خود در آورد: امید را خدا آزاد کرد ... حال باید این من او شده و این گوهر باز یافته را حفظ کنم و این کار گرچه سخت است اما لذت بخش است، لذت با او بودن تمام



سختی هایش را آسان می سازد.
#جهاد اکبر
#اردوی جهادی پلدختر

شب شعر

مجتبی صادقلو - مدیریت ۹۵

ای قیمتا هسته رو که لام جانم میرود
همراه نرخ رشد تورج و روانم میرود
سیر صعودی ات چنان دردی به قلبم مینهد
گویه که نیش از پوستم تا استخوانم می رود
گفتم به نیرنگ و فسون پنهان کنم درماندگی
پنهان نیمانند که پول چون مادیانم می رود
گفتم بگیرم تا ابد چون خرفرو ماندم به گل
چون که کنون همراه پول آن دلستان هم می رود
مردم فغان بر حال ما لایق نبودیم سال ها
دردا که تیغ نادمی، بر دیدگانم می رود

بغض:

وقتی بهاران هم عقب افتاد آمد، ولی بهاران عقب افتاد با باد از کاشانه ی ما برد با نا امیدی از بهاران، مرد ماهی به تنگ و موض قانع شد از رویش آلاله مانع شد طوفان، طراوت را به صمرا برد با مرگ اول تا نهایت مرد زیر لگد های زمفت باد آن لاله زار دیگر نگشت آباد گلبرگ هایش زیر پاها ماند در متن فرهنگ لغت ها ماند امید پر، وا گردنش فشکد از پرگشودن در هوا ترسید رسماً قفس کاشانه ی او شد مرگ آمد و هم خانه ی او شد قبل از رهایی از دل پیله ابزار شیران میشود میله آینه گرد و خاک میگیرد با دست غم در نطفه میمیرد متی بهاری هم اگر آید بهاران هزاری هم اگر آید پروانه دیگر جان نمیگیرد ایمان به دل اسکان نمیگیرد

وقتی که دل در «بغض» باقی ماند وقتی که آن بوران پاییزی وقتی فزان هم رنگ هایش را وقتی درفت پیر زردالو وقتی که اقیانوس فالی ماند وقتی که فاک پیر و بی حاصل وقتی که سقف آرزوها ریفت وقتی که رویا در دل انسان وقتی غرور لاله ها له شد آن لاله ها دیگر نشد لاله وقتی گل امساس پرپر شد وقتی که از «انسان» فقط واژه وقتی کبوتر در قفس دیگر متی زمانی که قفس وا شد وقتی کبوتر بال و پر را بست از نا امیدی در قفس جان داد در این زمان پروانه میمیرد روباه سلطان میشود این بار سقف ممبت تار میبندد عشقی که نوپا و پر از جان است در این چنین دوران یفیندان بر این زمین فشک بی حاصل آن لاله ها دیگر نمیرویند ماهی به دریا بر نمی گردد

فاطمه عامریان - مهندسی برق ۹۷

پاهایش دیگر توان نداشت، تن خسته اش را تحمل کند، از شناس بد روزگار تخت نرمش شده بود سنگ سفتی در گوشه خیابان، همانجا زانوهایش را بغل گرفت و با نگاه معصومش از رهگذران طلب خرید گل می کرد.

شاید اگر پدری داشت که مثل شیر پشتش باشد انقدر زود زندگی او را خم نمی کرد اما تنها یک مادر مریض برایش مانده بود. اخم های رهگذران وجودش را می سوزاند. انگار جغد شومی در زندگی اش آوازی سرود.

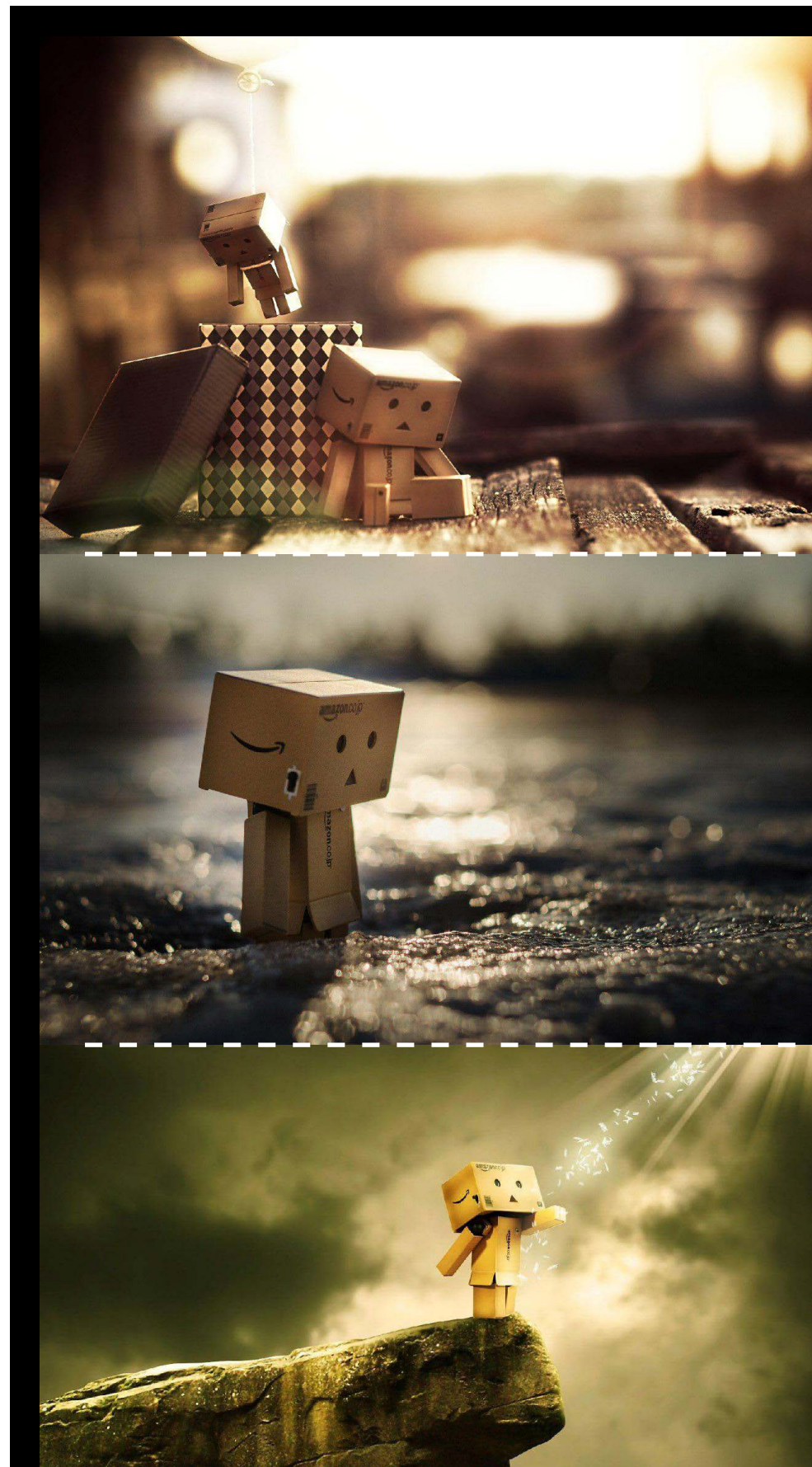
گل هایی که به چشم دیگران کالایی بود برای خرید، برای او حکم لقمه نانی را داشت که باید بآورد هایش بخورد تا بتواند زنده بماند زیرا زندگی کردن کار او نبود.

دختر در امتداد شهر میان آدم هایی که غرق خودشان بودند می خواست گل بفروشد هیچکس او را نمی دید همه محو تماشای زیبایی های مصنوعی اطراف بودند.

روبروی خانه ای نشست، از چشمانش مرواریدهایی که ناشی از دل تکه تکه شده اش بود جاری شد، صدایی توجه اش را جلب کرد، صدای بحث از خانه بیرون می آمد، انگشت اشاره زنی به سویش آمد که فرزندش را نصیحت می کرد، برای درس عبرت دخترش، داشت دردهای دخترک را ورق می زد با هر حرف تیری بر قلب کوچک

دختر فرو می رفت، قیمت شکستن غرور دخترک را داد و او را از خانه بیرون انداخت، اوپول داروهای مادرش را با غرور کودکانه اش معامله کرد. در راه بازگشت همانطور که

در خیابان دوره گردی میکرد مدام این را از خود می پرسید که تاریکی چه زمان از زندگی اش کنار میرود و آفتاب به آن روشنی می بخشد. شاید خیلی دور، شاید هیچوقت...



بهار تویی...

بهار تویی

ای بهانه زیبایی ها

منتظر نگاهات هستم همان نگاه هایی که مرا ب وجد می آورد
همان هایی که دستم را ب لرزه می اندازد و تپش های قلبم را پندین برابر میکند
بهار من

مال و روزم بی تو فزان شده

از همان هایی که برگ هایش زرد و نارنجی و قرمز شده اند

من زمستان سردی روح وجودم را نمیخواهم

بیا و این برف های یخ زده را با گرمای وجودت آب کن

بیا تا شکوفه های درونم شکوفا شوند

نیلی و صورتی و سرخ

زیبا میشود نه؟

جهان یخ زده ام را میبینی؟ این وجود با تو رؤیایی میشود

بیا و پادشاه این قصر یخی قلبم باش

بیا که تراش کاری های قصرت را فودت با همان نیامدن هایت آرزین کردی

برای قصرت پر طاووس میفواهی یا زمرد سبز رنگ؟

اگر بفواهی سرخ می کنم تاجت را

شراب فون وجودم را دوستداری؟

برایت نذر کرده ام که بیایی

بیا که جهان در انتظارت است

اللهم عجل لولیک الفرج

هشدار!

خطر لو رفتن داستان



معرفی و تحلیل فیلم

A Quiet Place 2018

فیلم «یک مکان آرام»، فیلمی در ژانر مهیج با بازی درفشان دو چهره ی محبوب هالیوود جان کرازینسکی و همسرش امیلی بلانت که در آوریل سال ۲۰۱۸ به اکران درآمد. فیلمی که با وجود کلیشه ای بودن داستانش، به قدری جذاب بود که توانست به فروش ۳۴۰ میلیون دلاری در گیشه برسد و امتیاز ۷,۶ را از نظر مخاطبان در وبسایت **IMDB** و رضایت ۹۵ درصدی منتقدین را در وبسایت **Rotten Tomatoes** بدست آورد.

این فیلم داستان آخرالزمانی خانواده ای را روایت میکند که با موجودات عجیبی روبرو هستند. این موجودات کور هستند ولی در عوض، کوپکتترین صداها را مس میکنند و با سرعت بسیار زیاد به سمت کسی که صدایی تولید کند ممله ور میشوند. این خانواده توانسته اند با سکوت، مدود یکسال با این شرایط مدارا کنند. اما موادتی رف میدهد که جان اعضای خانواده را تهدید می کند...

در کنار جذابیت داستانی فیلم، نکته ای بسیار مهم در طول فیلم به چشم میخورد. شاید شما این فیلم را در دسته فیلم های مهیج دیده باشید، اما در لایه ی دوم فیلم به مسئله ای پرداخته میشود که هدفی بالاتر از صرفاً به هیجان آوردن مخاطب دارد. این موضوع مهم، مسئله ی خانواده است و اگر کسی ژانر فیلم را بپرسد، میتوانیم بگوییم این فیلم یک فیلم خانوادگی است. نمایش پدری فداکار که تمام زندگی خود را وقف تامین امنیت و آرامش خانواده ی خود کرده، مادری مهربان که تنها انگیزه ی زندگی اش فرزنداناش هستند و فرزندی که بدنبال یادگرفتن روش زندگی از پدرومادر خود هستند، مفهوم اصلی فیلم را نشان میدهد.

نکته ای که بسیار جالب است، این است که زن و شوهر داستان، با وجود همه ی فطرات، به فکر فرزندآوری هستند. لطفه ی دنیا آمدن فرزند جدید این خانواده، نقطه ی اوج هیجان فیلم است.

همچنین، صحنه ای که پدر خانواده به دفترش میگوید که همیشه دوستش داشته و دارد، و برای نجات دو فرزندش جان خود را فدا میکند، امکان ندارد مخاطبان احساسی را به گریه نیندازد. در سکانس دیگری از فیلم، مادر خانواده به همسرش میگوید: «اگه ما (والدین) از اونا (فرزندان) محافظت نکنیم، پس به چه دردی میخوریم؟» پیام این صحنه ها در کنار صحنه های دیگر فیلم، دلبستگی و همبستگی انسان ها به یکدیگر در خانواده است.

علاوه بر اینها، زن و شوهر بودن بازیگران اصلی فیلم در دنیای واقعی و ناشنوا بودن بازیگر نقش دفتر خانواده (که در فیلم هم ناشنوا است) و دیگر نکته های این پنینی، همه و همه از تاکید عوامل سازنده ی فیلم بر هرچه اثرگذارتر بودن آن فبر میدهد. زیرا نزدیکتر کردن فضای احساسی فیلم به واقعیت، تاثیر به سزایی در پذیرفتن پیام احساسی آن از سوی مخاطب دارد.

مسئله ی خانواده امروزه در غرب به معضلی بزرگ تبدیل شده است. ممرور شدن بسیاری از انسان ها از محبت مادرانه و پدرانه در فرهنگ انسان ممرور مدرنیته، عامل بروز بسیاری از مشکلات در جامعه شده و به جایی رسیده که فیلم سازان، ترویج این فرهنگ را در دستورکار خود قرار داده اند. از این رو، چند سالی است که مسئله ی عشق واقعی در قالب خانواده جدای از عشق جنسی، ممرور بسیاری از فیلم های سینمای غرب شده است. بعضی از فیلم ها مانند فیلم **Instant Family** مستقیماً به این موضوع میپردازند و بسیاری از فیلم ها غیرمستقیم به این موضوع اشاره می کنند. و متی این مسئله در بعضی از بازی های ویدئویی مانند **The Last Of Us** و **The Evil Within ۲** و ... به چشم میخورد.

پیشنهاد میکنم این فیلم را یکبار دیگر ببینید...

صحبتی خودمانی و مهم ، راجب بیانیه ای خودمانی و مهم !
گفتم بیانیه ای خودمانی، چون ما ایرانی هستیم و این بیانیه نیز خطاب به ملت ایران است و مهم بودنش آشکار .

بله ، موضوعی را پیش کشیدیم برای آن که اخیراً توسط رهبر انقلاب جمهوری اسلامی ایران، در قالب بیانیه ای منتشر شده است؛ گام دوم انقلاب .
شخصاً آنقدر این موضوع و همینطور تشخیصی که پشت این انتخاب واژگان و محتوا وجود دارد ،جالب و پرمعنی میدانم که احتمال میدهم به اندازه یک درس سه واحدی بتوان در آن مطالعه ،

تحقیق و در نهایت نتیجه آنرا به عرصه ی ظهور درآورد؛ یعنی این بیانیه گامی است عالی برای کسی که بخواهد بداند و همینطور می خواهد بتواند ؛ و به طور خلاصه بخواهد با برجسته ترین نکات تاریخی - سیاسی آن آشنا شود و بتواند از مسیری که پس از ۲۵۳۷ سال دوره ی شاهنشاهی با عدم خودباوری و عقب ماندگی ؛ به گام اول انقلاب رسیده و حالا، در دست ما است؛ ابتدا با دانش و بینش درست

از آن پاسداری کند (دفاع ابدی از نظریه نظام انقلابی) و سپس در اقدامی به همان اندازه مهم بتواند

موتور و عامل تحقق نظام پیشرفته اسلامی باشد .

به این ترتیب که خواندید ، توضیح همه ی ابعاد این به ظاهر بیانیه و در باطن ، دعوت رهبری به ایجاد نهضتی تازه در درون نظام ، در این صفحه متأسفانه مقدور نیست .
گام دوم انقلاب ؟ به راستی گام اول چه بود ؟ شروع انقلاب اسلامی برخواسته از انگیزه های مردم در جهت حراست از ارزش های فرهنگیشان که بوسیله نظام شاهنشاهی ، می رفت تا در کوره فرهنگ امریکایی وارداتی ذوب گردد.

این فرهنگ غنی آیا حیف نبود؟ این انقلابی بود خلاف انقلاب هایی که بشر متمدن به خود دیده بود ، انقلاب آن هم برای ارزش های دینی بر پایه فرهنگ ملی ؟ آنچه دنیا به خود دیده است انقلاب ها برای قدرت طلبی، نان ، گیوتین و ... بوده است ؛این گام اول است برای انقلابی متفاوت .

انقلابی که خود باوری و اقتدار خود و دیدگاه خود را بدون ترس بیان میکند و مستکبران بودند، هستند و خواهند بود ، از دیروز تا امروز لریزه بر پیکره آنها می افتد و این غرور و عزت است .

فرهنگ و سیاستی که ما با انقلاب چهل ساله خود و با ایستادگی مناسب در برابر زورگویان و منافقان

دارا هستیم که آمریکا با حسادتی روزافزون از موجودیت معنوی و مادی ما همچنان ناکام است.

حالا پس از ۴۰ سال با دیدن این نسل جوان ، دانا ، پاک ، علاقمند به ایران و جمهوری اسلامی و این فهرست طولانی فرصت های مادی کشور را نمایان میکند ، چشم رهبرمان به راستی به جوان ها همان نهال های انقلاب دوخته شده است .

همانطور که در گذشته امام خمینی ، گام اول انقلاب را طرح ریزی کردند، حالا رهبر با بصیرت انقلاب ، گام دوم انقلاب را طرح ریزی میکنند .

بر پایه اینکه، بدانیم تا بتوانیم، با ایمان به خود بر مبنای واقعیت و فکر کردن و تلاش و توجه همیشگی به رهنمودهای اسلامی-ملی رهبر دانای انقلاب، به قله های فرهنگ و تکنولوژی ،با استعانت از خداوند متعال، برسیم.

آرزوی من به عنوان یک دانشجو ، عضو کوچکی از جامعه وعلاقمند و مؤمن به انقلاب اینست ، که از گام اول انقلاب عقب نمانیم ، بلکه آبرودار آن شهیدان عزیز و خانواده بزرگمان باشیم و هدف را گم نکنیم که شادی و سلامت ایران بر محور ایمان و عدالت است.

دروود بر ولی عصر، مهدی موعود، امام زمان (س)و (عج)



پلاسمای از دانشگاه تگزاس.

آره تگزاس! جایی که
درنگاه اول با توجه به
اونور آبی بودنش به نظر
نمیاد که همچین خروجی
بتونه داشته باشه، البته
هماند که دکتر چمران به
خاطر مولفه های دیگه
ای شد شهید چمران،
ولی منظور اینه که میشه
توی دانشگاه درس خوند
و مصطفی شد؛ چمران،
احمدی روشن، این الگو
ها همینقدر نزدیک اند به
ما

پس چی شد تا الان؟

ما مشکلات زیاد داریم، اعصاب هم بعضا نداریم، چیزایی که گوش میدیم هم اینارو بعضا تشدید میکنه اما این آخر ماجرا نیست تازه یکم از اول کار گذشتیم و ما باید از دانشگاه، چمران بیایم بیرون تا بشیم مسئول درست و حسابی، تا مرحله سوم که تشکیل یک دولت درد فهم و کارآمد باشه ایجاد بشه، البته این صحبت ها هزینه داره، مرد میخواد، علم میخواد، کار جدی میخواد، چمران میخواد، اگه دوست داشتید درمورد شهید چمران که اسمش رو زیاد بردم بیشتر بدونین میتونین کتاب های چمران مظلوم بود، سردار خوبی ها یا پناه سرخ رو یک تورقی بکنین؛ باشه تا هممون چمران بشیم ...

خاطرش مادرهایی پسرانشونو از دست دادن، بعضی ها همسرانشونو، بعضی پدرانشونو و بعضی ها هم سلامتیانشونو، پس هزینه شده برایش و الان وارد مرحله سوم شدیم، ۴۰ ساله دنبال ساختن چندتا مسئول درست و حسابی ایم که وقتی در اتاق کارشونو باز میکنن خدارو در نظر بگیرن و برای مردم کار کنند، اگر بتونیم چنین مسئولینی تربیت کنیم یا حتی بهتر بگم خودمون از این مدل آدمها بشیم و بعد اینارو دور هم جمع کنیم، اونوقت از ۵ تا مرحله ای که به خاطرش اون هزینه هایی که گفتمو دادیم، مرحله سومش هم انجام میشه که اسمش میشه دولت درست و حسابی که درد انسان رو میفهمه و اونارو حل میکنه، قطعاً این آدمهایی که گفتم از فضا قرار نیست بیان و از بین خودمون باید باشن از همین دانشگاه، شاید فکر کنید که ممکن نیست از دانشگاه همچین آدمایی تربیت بشن و بیان بیرون اما اینجوری نیست، نمونه اش رو قبلا داشتیم، همتونم می شناسید، دکتر مصطفی چمران، دکترای فیزیک



مرحله سوم؛

مهدی حسینی مهندسی عمران ۹۶

این روزا که مشکلات اقتصادی زیاد شده اکثر آدمها از یه موضوعی گله میکنن، از بیکاری، گرونی، قیمت لحظه ای ارز، قیمت پراید و ...، آخر ماجرا همه یه دلخوری از مسئولان کشور دارن و اکثراً معتقد اند ریشه این مشکلات برمیگرده به مدیریت کسایی که ادعای اجرای مدیریت اصولی دارن، اما تا الان هر توانایی مختلفی از شون دیدیم غیر از مدیریت اصولی، خب از یه دیدگاه وضع اینجوریه و نمیدونیم باید چیکار کنیم، یه تعدادیمونم که میخوایم شروع کنیم به کار کردن، دوباره برمیکوریم به در بسته، بعضی از این مسئولین عزیز هم که انگار دیدشون با ما فرق داره، البته تاحدی هم حق دارن بالاخره مسئولن یعنی مورد سوال قرار میگیرن و باید بتونن جواب دست های بالای دست رو بدن به خاطر کارهاشون، ولی به نظر به بن بست نرسیدیم، یعنی با همه ی این داستانها و مشکلاتی که می بینیم قرار نیست چیزی تموم بشه این فلسفه حرکتیه که ما از ۵۷ شروع کردیم، اول اومدیم مدلی که داشت کشور میرفت جلو رو عوض کردیم، با خواست خودمون، بعد اومدیم یه سیستم و چارچوب رو جایگزین مدل قبلی کردیم که خب البته اینا همینجور الکی به دست نیومده، به



یک
موضوع
بیش از
اندازه اطلاعات

وجود دارد و موجب
اضطراب و سردرگمی افراد

و ناتوانی در تصمیم گیری در انتخاب
یا صرف نظر کردن از همه یا بخشی
از اطلاعات می شود، در این حالت اگر
مهارت انتخاب گری را نیاموخته باشیم
به آنچه جذاب تر و قانع کننده تر و نه
لزوما مورد نیاز و مفیدتر است، جذب، و
گاه به استفاده از آن وابسته میشویم؛ این
وابستگی گاهی

در ما منجر شده و متأسفانه ما را از
بسیاری مسائل مهمتر از جمله هدف
اصلی دانشجو یعنی «اعتیاد رسانه‌ای»
چنان پیش می‌رود که به کسب علم
و دانش باز می‌دارد. یکی از خلاهای
اساسی نسل ما که غرق در فناوری
اطلاعات شده است آموختن سواد هایی
بیش از خواندن و نوشتن و علوم نظری
مختلف است ما مجبور به آموختن
سواد رسانه هستیم وگنه این رسانه
های خوش رنگ ولعاب اطرافمان در نا
آگاهی‌مان ما را در خود غرق کرده مسیر
زندگی‌مان را بی آنکه خود بخواهیم تغییر
خواهند داد.

بدهند،
قسمتی از داستان که کتمان
می شود را کشف کنند،
پیام های رسانه‌ای را براساس
تجربیات خود، باورها و ارزش
هایشان ارزیابی کنند و پیام های
رسانه‌ای خود را طراحی، ایجاد و توزیع کنند.

در گذشته، سانسور از طریق مسدود کردن
جریان اطلاعات به اجرا در می آمد در قرن
بیست و یکم، از طریق غوطه ور کردن انسان
ها در سیلاب اطلاعات بی اهمیت و نامربوط
عملی

میشود. انسان ها واقعا نمی دانند به چه
چیزی توجه نشان دهند، و اغلب وقت خود
را صرف بحث و بررسی درباره ی موضوعات
فرعی میکنند. در زمان های دور، قدرت
داشتن به معنی دسترسی به اطلاعات بود.
اکنون قدرت یعنی آگاهی بر اینکه از چه
چیز باید چشم پوشید و تمرکز را بر روی
چه چیزی قرار داد. هم اکنون ما در وضعیت
سر ریز اطلاعات در محیط رسانه‌ای و مجازی
پیرامونمان قرار داریم زمینه‌ای که در زمینه

سواد
رسانه‌ای
مجموعه‌ای
از مهارت های
قابل یادگیری
است که به توانایی

دسترسی، تجزیه و تحلیل و ایجاد
انواع پیام های رسانه ای اشاره دارد و
یک مهارت ضروری در دنیای امروزی
به شمار میرود. برای حرکت در محیط
رسانه‌ای پیچیده امروز باید قادر به درک
بهتر پیام های رسانه‌ای باشیم.
افراد، با سواد رسانه‌ای قادر به کشف
پیام های پیچیده ی موجود در محتوای
تلویزیون، رادیو، روزنامه ها،

مجلات، کتاب ها، بیلبردهای تبلیغاتی،
اینترنت و سایر رسانه های مستقل
خواهند شد. آنها همچنین می توانند
رسانه های خود را ایجاد کرده و در شکل
گیری فرهنگ رسانه‌ای مشارکت فعالانه
داشته باشند، این امر سبب میشود

مردم از حالت مصرفی خارج شده،
از رسانه ها به صورت هوشمندانه‌ای
بهرمند شوند سواد رسانه‌ای می تواند
به افراد جامعه کمک کند تا چگونگی
ایجاد پیام های رسانه‌ای را درک کنند،
آنچه که رسانه های بیگانه میخواهند به
آنها بقبولانند را تشخیص بدهند و اطلاعات
غلط و دروغ های رسانه‌ای معاند را تشخیص

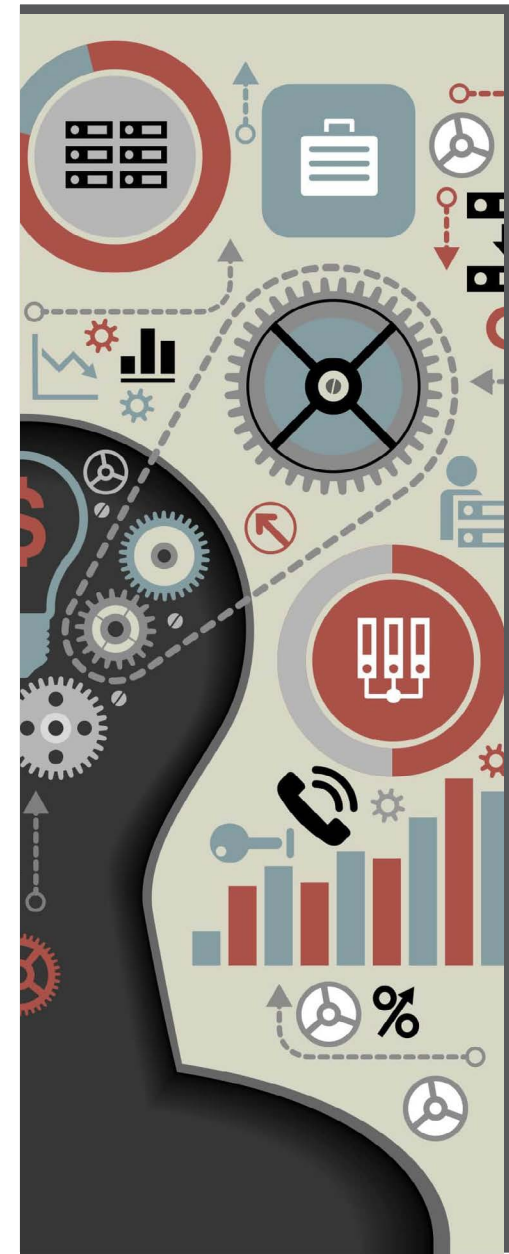


فرشاد مومن زاده
مهندسی مکانیک ۹۶

سواد رسانه‌ای

کار آفرینی!

رضا نوروزی-اقتصاد ۹۶



جایگاه کارآفرینی در دانشگاه صنعتی شاهرود:
آنچه این دانشگاه را از دیگر مراکز علمی آموزش عالی جدا می‌سازد، شعار سال ۹۶ آن‌ها یعنی حرکت به‌سوی دانشگاه کارآفرین است تا پس از کش‌وقوس‌های فراوان امروز شاهد حرکت‌های خوبی در حوزه اشتغال‌زایی و پر کردن خلأ فارغ التحصیلان بیکار در جامعه باشیم، دانشگاه صنعتی شاهرود که از پیش‌تازان عرصه کارآفرینی در بین دانشگاه‌های کشور است توانست با برگزاری استارت‌آپ‌های مختلف و افزایش فعالیت‌های انجمن علمی دانشجویی کارآفرینی و همچنین تأسیس اداره کارآفرینی در درون خود به مثابه یک ابتکار کم‌نظیر، راهی را در پیش‌گرفته تا دانشجویانش را پس از فارغ‌التحصیلی نیز رها نکرده و به سمت بازار کار رهنمون سازد. اقدامات انجام شده در دانشگاه صنعتی شاهرود در جهت تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین: این دانشگاه در ابتدا با تشکیل ۱۸ کارگروه تخصصی جهت تحلیل و بررسی چگونگی تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین فعالیت‌های کارآفرینی خود را آغاز کرد، سپس



با تشکیل اتاق‌های فکر فناوری و کارآفرینی، تشکیل کمیته کارآفرینی، تأسیس اداره کارآفرینی، تشکیل تیم دانشجویی کارآفرینی، تأسیس مرکز آموزش‌های آزاد، استقرار شتاب‌دهنده‌ها، ایجاد و توسعه مرکز رشد، ایجاد شرکت‌های نوپا و دانش‌بنیان به فعالیت خود ادامه داد. دانشگاه صنعتی شاهرود با اقدامات انجام شده در زمینه کارآفرینی توانست رتبه دوم کشوری را در سال ۹۶ در بین دانشگاه‌های کشور کسب کند.

دانشگاه صنعتی شاهرود در آغاز سال تحصیلی ۹۷-۹۸ ابتدا با برگزاری کارگاه‌های آموزش مهارت‌های کارآفرینی با مشارکت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و دانشگاه صنعتی شریف فعالیت‌های کارآفرینانه خود را آغاز کرد و سپس با برگزاری نشست‌های شبکه‌سازی کارآفرینانه بین دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه و فعالین حوزه کارآفرینی در شهرستان شاهرود، برگزاری نشست‌های ارتباط کارآفرینی با صنعت، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و همایش‌ها و سخنرانی‌های انگیزشی در جهت افزایش روحیه کارآفرینی و خلق ایده در بین دانشجویان ادامه داد، حال در راستای ادامه اقدامات فعالیت‌های کارآفرینی در دانشگاه صنعتی شاهرود منتظر افتتاح شتاب‌دهنده شاهکار و استقرار تیم‌های استارت‌آپ در سال جاری هستیم.

منابع: گزارش خبرگزاری مهر از وضعیت کارآفرینی در دانشگاه صنعتی شاهرود

من قال، ما قال؟

محمدرضا احمدی | مهندسی صنایع ۹۵

مساله‌ای که امروز دارم در موردش فکر می‌کنم و می‌نویسم پیرامون سلبریتی است. با اینکه امروز خیلی‌ها در مورد این مسئله صحبت می‌کنن ولی باز هم احساس می‌کنم جذابیت خودش را از دست نداده. در مورد سلبریتی‌ها چیزی که خیلی جالب به نظر می‌رسد اینست که این مسئله‌ی امروز نیست. بلکه حتی در سال‌های قبل هم جامعه با این مسئله روبه‌رو بوده است. این معضل که یک نفر به سبب اینکه در شاخه‌ای عملکرد مثبتی دارد و به دلیل این عملکرد در آنجا بین مردم محبوبیت پیدا کرده و فکر می‌کند می‌تواند در جای دیگر هم که تخصص ندارد متخصص باشد بدون اینکه تلاشی در آن راستا داشته باشد، مردم هم این را از او بپذیرند چون دوستش دارند، این کل مسئله است. اما در گذشته در اوایل انقلاب هم این مسئله مطرح بوده. ۵ تیر ۶۰ شهید دیالمه، نماینده مجلس دوره اول مردم مشهد، ۲ روز قبل از ترورش در مجلس، در نطق خود به همین مسئله اشاره می‌کند. شاید اصلاً صحبت‌های شهید دیالمه بود که مسئله سلبریتی‌ها را در ذهن من طرح کرد.

دیالمه، شهید بصیرت، می‌گوید: اینکه فکر کنیم هرکسی که وزیر و وکیل شد همه‌ی مسائل اسلام رو بلد هست، همه چی می‌دونه، همین به

صرف اینکه نماینده مجلسه این دیگه علامه دهره هر چیزی که که درباره مسائل اسلامی هست می‌دونه، تفسیر قرآن بلده تفسیر نهج البلاغه بلده و مطالب اسلامی رو همه رو می‌دونه سیاست خارجی رو می‌تونه تجزیه تحلیل کنه و به صرف اینکه وزیر و وکیل و نخست‌وزیر و رییس‌جمهور شد همه‌ی این‌ها رو می‌دونه، نه اینطور نیست بسیاری از نیروهای ناشناخته رو ما در جامعه داریم که از همه‌ی ما صلاحیتشون بیشتره ولی متأسفانه مردم به دنبال معروفیت‌ها می‌رن و اینکه کی معروف تره.

در صحبت‌های شهید دیالمه چند نکته‌ی مهم وجود دارد دیالمه به این نکته اشاره می‌کند که اشخاص در یک جایگاهی (یک جایگاه اجتماعی یا سیاسی، اما در مسئله سلبریتی‌ها بیشتر جایگاه اجتماعی مدنظر قرار دارد اما در جایگاه‌های سیاسی هم این مسئله بسیار رخ می‌دهد مانند انتخابات مجلس یا شورای شهر) قرار می‌گیرند اما شاید شایسته آن جایگاه نباشند یا افراد بهتر از آن‌ها وجود داشته باشند ولی شاید دلیل حضور آن‌ها در آن جایگاه شهرت بوده باشد. اینکه شهرت در یک حوزه‌ای باعث بشود یک نفر در آن حوزه مقبولیت اجتماعی پیدا کند منطقی است اما اینکه باعث بشود آن شخص در یک حوزه‌ی دیگری مقبولیت اجتماعی یا سیاسی پیدا کند غیر منطقی است این یعنی به واسطه‌ی شهرت یک نفر او جایگاهی پیدا کند که باید متعلق به یک نفر دیگر باشد چه در حوزه‌ی اجتماعی چه در حوزه‌ی سیاسی همانطور که دیالمه می‌گوید: ((بسیاری از نیروهای ناشناخته را ما در جامعه داریم که از همه‌ی

ما صلاحیتشون بیشتره ولی متأسفانه مردم به دنبال معروفیت‌ها می‌رن و اینکه کی معروف تره.)) در ادامه‌ی همین سخنرانی در ۵ تیر ۶۰، شهید دیالمه یک نکته‌ی بسیار مهم دیگری را مطرح می‌کند. دیالمه می‌گوید: ((مشکل اینه که مردم اشخاص رو دنبال می‌کنن نه طرز تفکر را.)) این مشکل مکمل جایگاه بخشیدن به یک نفر نه برای صلاحیت او بلکه برای شهرتش است یعنی یک نفر یک اندیشه‌ای را بیان می‌کند و عده‌ای از آن اندیشه خوششان می‌آید اما امکان دارد در آینده آن شخص یک حرفی بزند یا یک کاری بکند که متناقض با آن اندیشه باشد اما شاید بعضی از آن عده به دلیل مقبولیت اجتماعی یا سیاسی آن شخص او را دنبال کنند نه طرز تفکرش را یعنی اگر طرز تفکر آن شخص تغییر کند شاید طرز تفکر آن گروه هم تغییر بکند به دلیل داشتن مقبولیت اجتماعی یا سیاسی (شهرت) آن فرد.

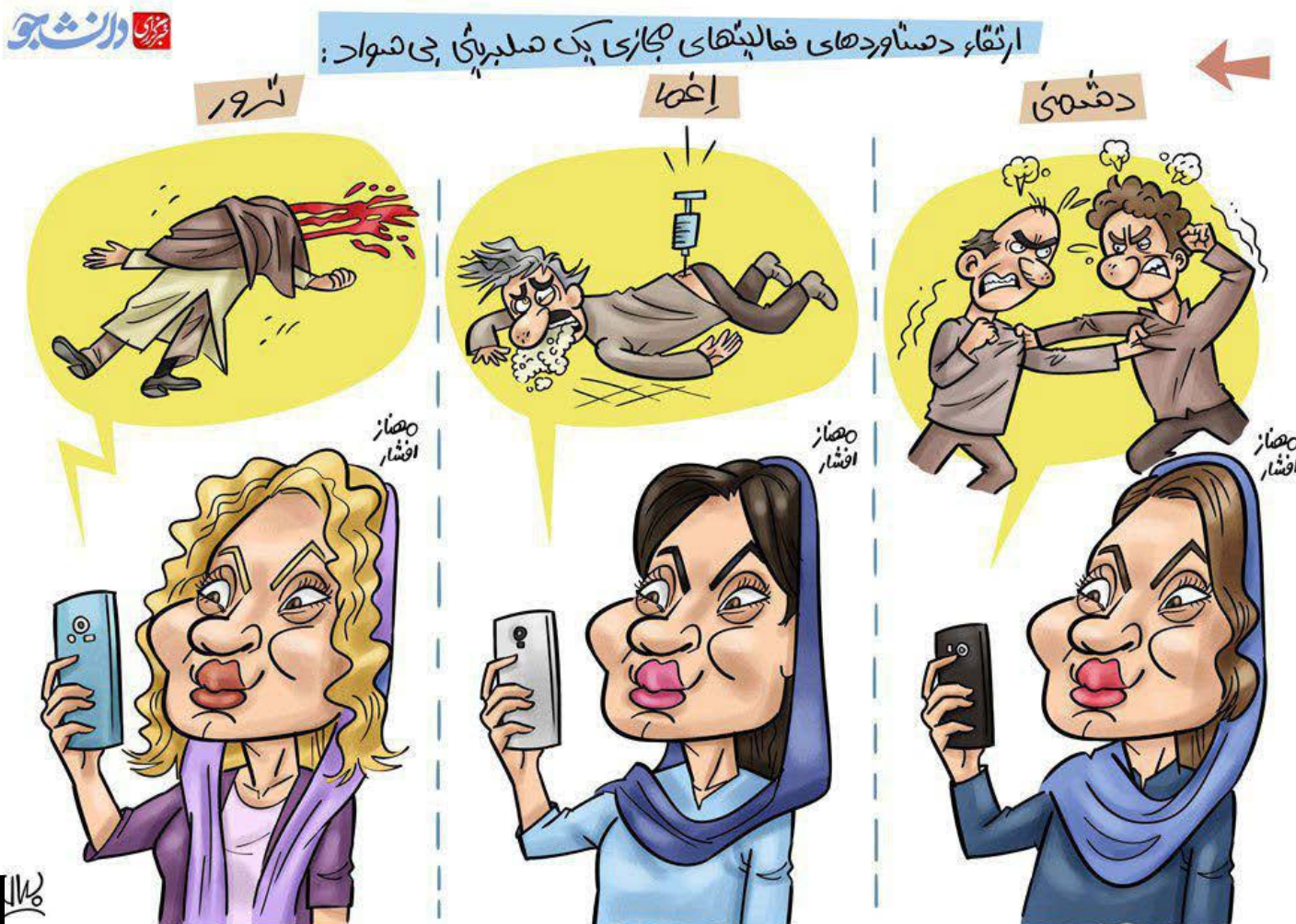
فکر می‌کنم با پرسیدن سؤالات زیر معضل شهرت به جای صلاحیت را حل کرد:

۱- آن شخص کیست؟

۲- مهارت و دانایی‌اش در چیست؟

۳- آیا حرفش منطقی و مستند و قابل اطمینان است؟

نکته‌ی آخر اینکه درست بودن حرفش ارتباطی با شهرتش ندارد.



لا به لای اسباب بازی های خاک خورده

شبیر طالبی - گیاه پزشکی ۹۵

و تفکر جامعه خیس میشه ، چرا یکم فشار آب رو کم نمیکنید تا کمتر خیس بشیم ؟؟؟ حجاب اجباری یا اختیاری ؟؟ چهارشنبه سفید یا به عشق پرسپولیسیا قرمز ؟؟ (نویسنده طرفدار تیم ملی است) . آزادی اندیشه باروسری نمیشه ؟ نه روسری نه توسری صدام بزن جای دیروزی ؛ همه این حرف ها بهانه ای پیش نیست ، حجاب شده بهانه ای برای تسکین درد نبود گفتمان آزاد وگرنه اثبات اینکه حجاب چه جایگاهی دارد و حسن آن چیست و یا اجباریست یا اختیاری بسیار ساده و آسان است ، به قول یکی از بزرگان ، آقا آب رو بریزید جایی که میسوزه !!!

آب این آتش کرسی های آزاد اندیشی و گفتمان آزاد است که چیزی که سالهاست شخص اول مملکت در دیدار ها و بیاناتشان میفرمایند ، تا جایی که فرمودند آتش به اختیار باشید ، یعنی من از مدیران قطع امید کردم حالا خودتانید و خودتان ، یعنی چه جریان چپ و چه جریان راست در دانشگاه ها با هم صحبت کنید و گفتمان داشته باشید ، مشکل حجاب است ؟ که نیست ، ولی باز گفت و گو کنید .



پیدا کردن بعضی از وسایل و یادگاری ها آدم رو به مرحله ای میرسونه که باید ناخودآگاه لب ها را چونان غنچه نمود و زبان را به دندان های ردیف بالا فشرد و آوای زیبای نوچ را مکررا سرداد ، این اتفاق جانسوز و جان گذاز غالبا با دیدن آلبوم های قدیمی می افتد ؛ نوچ نوچ نوچ ، بین چند نفر به دیار باقی شتافتن تو این عکس ، دختر فاطمه خانوم رو ببین اینم شوهر کرد رفت (صدای ذهن آشفته نویسنده) و همچنان سوزش سلول های کبدم ادامه داشت که آلبوم عکساش تموم شد ولی صفحه هایی خالی برای عکس بودند ولی دریغ از عکس ، چون از زمان آخرین عکس تا حالا ، آلبوم عکسامون جاش عوض شد و رفت توی گوشه های تلفن همراه ، درست مثل زندگی خیلی ها که رفت توی فضای مجازی و حقیقت تنها تر از همیشه شده ؛ این تورق آلبوم چقدر حکایت امروز ماست ، هرچی به صفحه های آخر نزدیک میشدم ، لباس های تنگ تر و کوتاه تر میشدند ، درست مثل فرهنگمون که هر چی به سمت جلو حرکت کردیم ، کوچکتر و کوتاه تر میشدند یعنی مدیران فرهنگی بی فرهنگن ؟ چون تحریمیم ؟ و یا چون عادت کردیم همیشه اول شیر آب رو باز کنیم بعد شیلنگ رو به شیر وصل کنیم ، خب آب میپاشه ، خیسمون میکنه دقیقا کاری که دوستان دیر آشنای فرهنگ در دانشگاه تهران کردند و این اولین باری نیست که با آب بازی آنها روح

روزه داری؛

رضا پرستار خرمی

مهندسی صنایع ۹۶

طبق تحقیقی که اخیراً انجام شده است، تمام سیستم ایمنی بدن انسان می‌تواند با **روزهداری** تنها به مدت سه **روز** احیا و بازسازی شود. این احیا بدین دلیل است که بدن بعد از **روزه** شروع به تولید سلول‌های جدید سفید خون می‌کند. طبق تحقیقی که اخیراً انجام شده

می‌شود سلول‌های بنیادی شروع به تولید سلول‌های جدید سفید خون کنند که با عفونت مبارزه می‌کنند. خبر خوب این است که بدن بر اثر **روزه** از قسمت‌هایی از این سیستم که ممکن است آسیب دیده یا پیر شده باشند و ناکارآمد باشند، خود را رها می‌سازد.

روزه طولانی بدن را مجبور می‌کند که گلوکز و چربی انباشته شده را استفاده کند و همچنین مقدار قابل توجهی از گلبول‌های سفید خون را کاهش

است که ریسک سرطان و رشد تومور را افزایش می‌دهد. موقعی که گرسنگی می‌کشید، سیستم بدن سعی می‌کند که انرژی خود را حفظ کند و یکی از کارهایی که می‌تواند برای حفظ انرژی انجام دهد این است که مقدار زیادی از سلول‌های ایمنی بدن را که مورد نیاز نیستند، مخصوصاً سلول‌هایی که ممکن است آسیب دیده باشند را بازسازی کند.

با اینکه رژیم‌هایی که همراه با **روزهداری** بوده است توسط متخصصین تغذیه مورد نقد قرار می‌گرفت و ناسالم خوانده می‌شد، تحقیقات جدید نشان

می‌دهد که



روزه

و گرسنگی کشیدن بدن موجب می‌شود سلول‌های بنیادی شروع به تولید سلول‌های جدید سفید خون کنند که با عفونت مبارزه می‌کنند. محققین می‌گویند که **روزه** کلید احیاسازی را فعال می‌کند و به سلول‌های بنیادین پیام می‌دهد تا گلبول‌های سفید خون جدید بسازند که در نهایت موجب احیا و بازسازی کامل سیستم ایمنی بدن می‌شود. دانشمندان می‌گویند هیچ شاهدهی و نشانه‌ای وجود ندارد که نشان دهد **روزه** خطرناک است در حالی که شواهد قوی و مستحکمی وجود دارد که نشان می‌دهد **روزه** سودمند خواهد بود. منبع خبرگزاری تسنیم

است، تمام سیستم ایمنی بدن انسان می‌تواند با **روزهداری** تنها به مدت سه **روز** احیا و بازسازی شود. این احیا بدین دلیل است که بدن بعد از **روزه** شروع به تولید سلول‌های جدید سفید خون می‌کند .

می‌دهد. در هر سیکل **روزهداری**، این کاهش گلبول‌های سفید خون تغییراتی ایجاد می‌کند که به سلول‌های بنیادین پیام می‌دهد تا یک سیستم ایمنی جدید تولید کند.

در آزمایشات ، از انسان‌های مورد آزمایش قرار گرفته خواسته شده بود که برای دو تا چهار **روز** در طول زمان شش ماهه **روزه** بگیرند. دانشمندان دریافتند که **روزه‌های** طولانی مدت همچنین آنزیم PKA را کاهش می‌دهد. این آنزیم مرتبط با پیر شدن و هورمونی



علی احمدی - مهندسی مکانیک ۹۶

دشمن شناسی

حجت الاسلام والمسلمین استاد مهدی طائب

دشمن شناسی

دشمن شناسی

نویسنده: حجت الاسلام والمسلمین مهدی طائب

با رویکرد تاریخی بصیرت افزا و رصد جریان حق و باطل و «دشمن شناسی» نخستین جلد از مجموعه کتاب های دشمن شناسی تدوین شده است. با شناسایی و شناساندن این جریان، ریشه جریانات جاری در سطح بین الملل، منطقه و کشور روشن فواید شد. اصل و اساس این پژوهش، برگرفته از تحقیقات و دروس تاریخ استاد معظم حوزه علمیه قم حضرت حجت الاسلام و المسلمین مهدی طائب است که به همت محققان ارجمند به شکل کنونی آماده شده است. فصل اول این کتاب با انبیاء پیش از بنی اسرائیل آغاز می شود و بعد از آن به ترتیب تاریخ انبیای اولوالعزم تا پیامبر اسلام با رویکرد ذکر شده بررسی و بیان می شود. در مورد یکی از علل انحراف بنی اسرائیل در فصل پنجم آمده است:

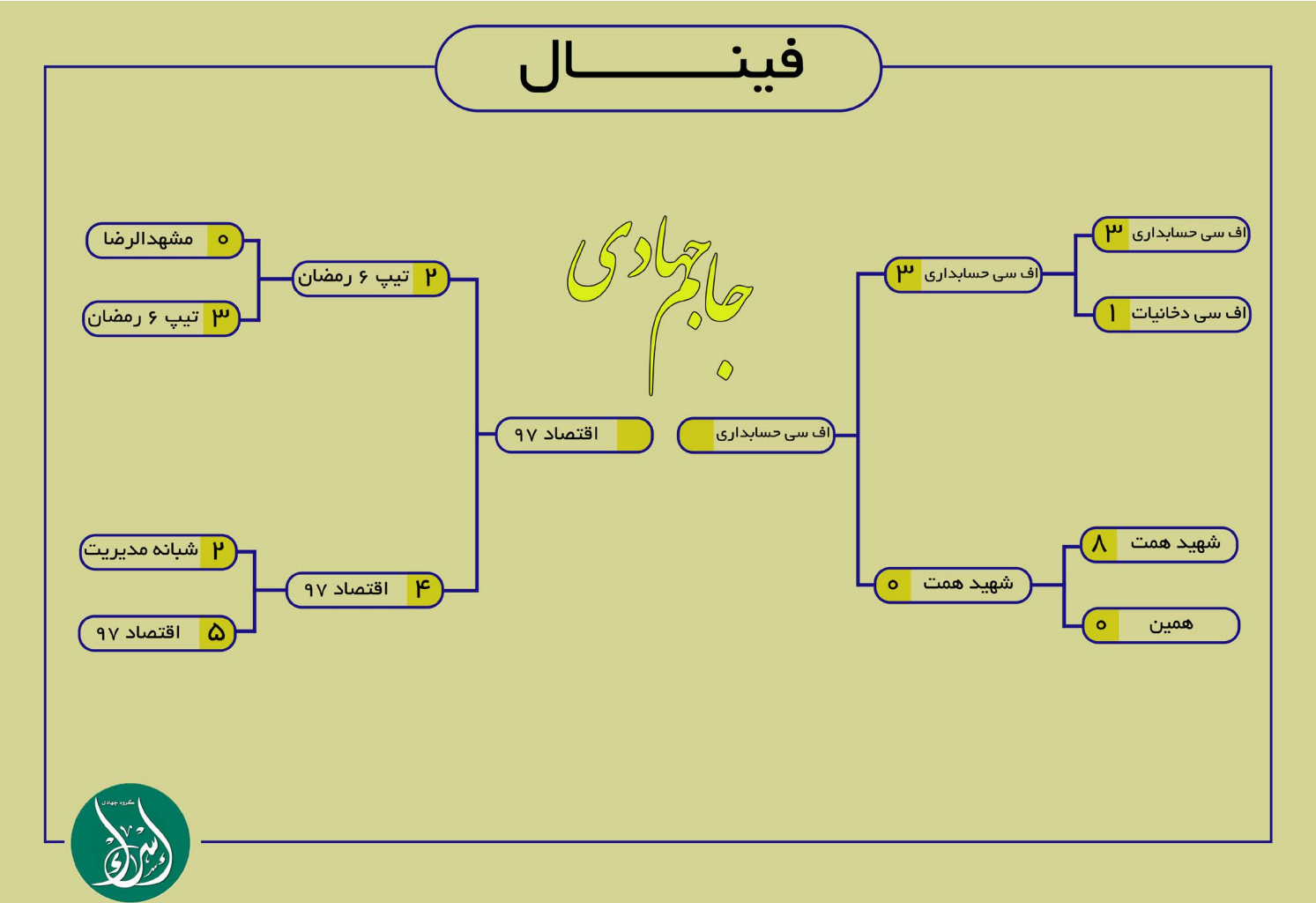
فداوند برای اصلاح این گروه، پی در پی پیامبر میفرستاد و آنان نیز پیامبران خدا را میکشتند!

لَقَدْ أَفْضَلْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ؛ (مائده - ۷۰)

ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم و پیامبرانی برایشان فرستادیم. هر گاه پیامبری چیزی می گفت که با فوایش دلشان موافق نبود، گروهی را تکذیب می کردند و گروهی را می کشتند. فداوند قتل پیامبرانش را به قوم بنی اسرائیل نسبت می دهد؛ در مالیکه همه آنها پیامبرکش نبودند، ولی اینان گرد سارمانی منصرف جمع شده بودند و کار آن سازمان را تأیید می کردند. ما از این سازمان، به سازمان یهود تعبیر می کنیم؛ سازمانی دوره دیده، تجربه اندوخته و منصرف. آنان همانند دزدانی بودند که با چراغ روشن آمده بودند و انبیاء(ع) در صدد بودند این چراغ به دستان را از دزدی بازدارند.

۹ پیشنهاد برای اینکه مطالبات دانشجویان دانشگاه تحت امرتان را به ابتدال بکشید:

۱. در روز دانشجو و ایام مشابه سعی تان بر این باشد که با برگزاری جشن های مفرح و شاد هم سبب مسرور شدن این اطفال معصوم مردم شده باشید و هم مقصود حاصل شود. حتی القدور از بازی های سنتی و ملی استفاده کنید هم در این جشن ها استفاده کنید. البته گفتن این نکته خالی از لطف نیست که برای دانشجوی عصر دیجیتال، سرگرمی دیجیتال امری غیر قابل اجتناب است فلذا از برگزاری مسابقات PES یا هر بازی دیجیتالی که جمعی است غافل نشوید.
 ۲. معجزه دوغ و سبزی ماءالشعیر، سالاد و... در وعده غذایی؛ یکبار امتحان کنید تا ببینید چه طور با همین یک حرکت به ظاهر ساده، چگونه دانشجویانی که کله شان بوی قرمزه سبزی می دهد حداقل برای اندکی هم که شده در برابر مسئولین سلف و تار سیبیل غذای آسپزها وحشرات آشپزخانه سپر خواهند انداخت تا بعد از آن هم خدا بزرگ است .
 ۳. به هیچ عنوان تکرار می کنم به هیچ عنوان اجازه برپایی تجمع، سخنرانی، کرسی آزاد اندیشی را به تمامی تشکل ها ندهید.
 ۴. اگر خدای نکرده از طرف دانشجویان درخواست برگزاری جلسه پرسش و پاسخ شد؛ توجه داشته باشید که تا می توانید طفره بروید و اگر چنانچه زور دانشجویان چربید و راضی شدید به برگزاری جلسه؛ بد به دلتان راه ندهید که یک صدم دانشجویان دانشگاه هم در چنین جلسه ای شرکت نخواهند کرد و همین قد بگویم آن دسته از دانشجویان معترض با اندکی بی توجه ای جلسه را ترک خواهند کرد و دیگر جلسه خودمائی خواهد شد و از غیر تهی.
 ۵. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که سیاست تفرقه بنداز و حکومت کن همیشه جواب می دهد، بنابراین تا جایی که می توانید با لطایف الحیلی بین تشکل هایی که غالباً نیز دو قطبی هستند اختلاف ایجاد کنید. نتیجه معرکه اش را خواهید دید.
 ۶. با عدم نظارت بر اعضای هیئت علمی دانشگاه؛ شعور علمی شان را در سطح جزوات تکراریشان نگه دارید و توجه داشته باشید که با این کار دانشجو نیز مطالباتش در حد همان تهیه جزوه و این قسم امور خواهد ماند.
- یادتان باشد مسائلی از قبیل: بهداشت سلف، پرورش، اعتیاد، امنیت مسیرهای منتهی به خوابگاه ها، پوشش دانشجویان، شعور علمی و اخلاقی اعضای هیئت علمی و کارکنان دانشگاه تحت امرتان همگی از امور فرعی محسوب شده و تا به سرانجام رسیدن امور اصلی پیشیزی ارزش و اعتبار ندارند.



باشگاه مخاطبان مهاجر

یادداشت های خود را برای چاپ در نشریه می توانید به آدرس t.me/vqh98 ارسال کنید.

رضا نوروزی - اقتصاد ۹۶

**ضمناً شما می توانید متن، دلنوشته و...
خودتان را با دست خط خود در کادر زیر
بنویسید و عکس آن را برای ما ارسال
کنید.
تا متن ها در کانال منتشر و بهترین آن در
شماره بعدی نشریه چاپ شود.**

از سخن پول به غم میرسیم
با دم تحریم به هم میرسیم

قیمت بنزین و دلار و پیاز
حال به یارانه چه کم میرسیم

مجلس ما بر غم بحران رسد
چاره ی راهش ز مدیران رسد

زلزله قیمت اجناس هم
از لب اسحاق به ایران رسد

ما ز تورم چو گذر کرده ایم
بر ژنو و وین سفر کرده ایم

از قدم دولت تدبیر ما
با دهن روزه سحر کرده ایم

نرخ تورم شده کابوس ما
ترس نباشد ز نزول و ربا

مردم ما غرق ز سیل رکود
سهم عدالت شده حق شما

با غم تدبیر نداریم زور
چشم دلار و یورو گشته است کور

چون که ز تدبیر نداریم امید
امید ز آن کلید خود گشت دور